

عنوان مقاله :

« تاثیر رفتار حضرت محمد ( ص ) بر جوامع بشری »

نام و نام خانوادگی نویسنده اول : مهین شمسی

دانشگاه پیام نور - واحد اهواز

آدرس الکترونیکی : [itc\\_araf@yahoo.com](mailto:itc_araf@yahoo.com)

## چکیده

از آنجا که رفتار مجموعه ای است از اعمال، گفتار و کرداری که از چشمه وجود آدمی سرچشمه می گیرد و به صورت گفتار و اعمال ظاهری نمود پیدا می کند، میتواند هم به صورت مثبت و هم به صورت منفی در فرد خود را نشان دهد.

در قرآن کریم به رفتار فرد، افراد یا گروههای خاصی اشاره شده است که همواره با مدح و یا ذم همراه بوده است. از جمله رفتار حضرت رسول(ص)، اهل کتاب، مسلمانان، کفار، منافقین و...

آیاتی از قرآن کریم که رفتار گروه یا افراد خاص را شامل میشوند معمولاً دارای شان نزولند. یعنی برای مناسبتی خاص بر قلب پاک و مطهر حضرت رسول(ص) وحی شده اند. سپس قرآن کریم دیگران را به تقلید از آن رفتار تشویق و یا منع نموده است.

ناگفته پیداست در تبیین برخی رفتارها حتماً باید شان نزول آیه مخصوصش در نظر گرفته شود تا تاثیر مثبت آن در روح و جان آدمی ماندگار شود و گرنه باعث سردرگمی و یا دین زدگی در افراد میشود.

در این مقاله سعی شده است علاوه بر شرح کلید واژه ها و علت کاربردشان، تاثیر رفتار حضرت رسول(ص) در قرآن بر اجتماعات مردمی فارغ از چارچوب زمانی بررسی شود.

## واژه های کلیدی :

رفتار مردم معیار، لنت، اذن، خفض جناح، خلق عظیم

فهرست

چکیده

مقدمه ..... ۴

فصل اول : مبانی نظری

۱-۱ رقتار مردم معیار ..... ۵

۱-۱-۱ لنت ..... ۶

۱-۱-۲ اذن ..... ۷

۱-۱-۳ خفض جناح ..... ۸

۱-۱-۴ خلق عظیم ..... ۸

فصل دوم : جمع بندی

۲-۱ جمع بندی و نتیجه گیری ..... ۱۰

۲-۲ فهرست منابع ..... ۱۰

## مقدمه

آنچه باعث تغییر در رفتار می شود، یادگیری است. یادگیری یکی از عالیترین جلوه ها و ویژگی های بدنی و روانی آدمی به شمار می آید. یادگیری تغییری نسبتاً دائمی در توانایی یا استعداد پاسخ دادن است. بنابراین آنچه باعث تغییر رفتار می شود یادگیری است.

ماهیت یادگیری دگرگونی است. در واقع یک رشته فرآیند است که در آن فرآورده تجربه ماحصل داد و ستد میان موجود آدمی و محیط است. آمیزشی از احساس و ادراک و اندیشه و تجربه رفتار را به بار می آورد. یادگیری که منجر به بروز رفتار می شود در قالبهای دگرگونی، عادت شکنی، ایجاد علاقه، نگرش های نو، درک ارزش، ذوق و سلیقه و پیشداوری و یا دوستی و دشمنی پدیدار میشود. هم چنین شیوه ترکیب و کاربرد معلومات در استدلال، تفکر، نظریه پردازی، حل مسئله، احساس و عواطف عمیق انسانیت خودشناسی و دگرگونی هایی که در کل شخصیت بوجود می آیند منجر به امر یادگیری و در نهایت بروز رفتار فردی در انسان میشود.

## فصل اول : مبانی نظری

### رفتار مردم معیار:

رفتار هر انسان بیانگر شخصیت درونی و رازها نهفته درونی است که مجموعه ی آنها در طول دوران عمر انسان هم از محیط و هم بواسطه ی تجزیه و تحلیل دانش فرد، عقاید و سلیقه ی وی شکل می گیرد. وقتی به منسه ی ظهور گذاشته می شود مردم در قبال جنس و نوع این ظهور بازخوردی از خود نشان می دهند که به تبع آن رفتار می تواند مثبت یا منفی باشد.

چون هر عملی دارای عکس العملی است لذا رفتار فرد عملکرد مردم را بدنبال دارد. آنچه اینجا مد نظر است عملکرد مردم در قبال رفتار افراد است. اگر فرد در میان مردمی زیسته و توانست نظر آن قوم را جلب کند بطوریکه در هنگام مرگش بر وی بگریند و در هنگام حیاتش به وی عشق بورزند، این رفتار یک رفتار مردم معیار است.

حال اگر شخصی بتواند علاوه بر نظر قوم خویش، نظر و محبت اقوام و ملل دیگر را که دارای آرا و عقایدی سواى عقاید قوم خویش است جلب کند، مسلماً دارای شاخصه های اخلاقی و رفتاری بسیار والای انسانی و حتی مافوق بشری خواهد بود و اگر پس از حیاتش نیز مردم بر اساس رفتارش به وی عشق بورزند، بی شک انسانی کامل و در خور تحسین عموم و گلی بی خار است!

طبق فرمایش مولی علی (ع) که می فرماید : «خالطو الناس مخالطه ان متم معها بکوا علیکم و ان عثتم حنواً الیکم».

یعنی با مردم چنان زندگی کنید که اگر مرید بر شما بگریند و آنگاه که در کنار آنان بسر می برید به شما عشق بورزند. و این یعنی رفتار مردم معیار! یعنی رفتاری که بر اساس باز خور و عملکرد مردم از رفتار انسان تنظیم ، تدوین و ظهور می یابد.

به نظر می رسد رفتار مردم معیار، همان باز خورد مردم است که اگر مثبت باشد یعنی رفتار فرد مورد پسند مردم بوده که مردم نیز باز خوردی خوب و پسندانه از خود بروز داده اند.

## لنت :

« لنت » از ماده « لین » به معنای مهربانی و خوشخویی است . در مقابل این واژه « فظاظت » یعنی خشونت در گفتار است. جالب است که خداوند در آیه ی ۱۵۹ سوره آل عمران ، چنین می فرماید : « فیما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غلیظ القلب لا نفصوا من حولک فاعف عنهم واستغفر... ».

« غلیظ القلب » یعنی خشونت عملی ، که معمولاً منجر به زد و خورد می شود. چیزی که در عربستان آن روز رواج فراوانی در میان اقشار مردم داشت. (نزاع در هر موضوعی و بر سر هر مطلب کوچک و بی ارزشی رایج بود). خداوند حضرت رسول ( ص ) را از یک سری خصایل بری و به یک سری خصایل متصف می کند. البته در ابتدای آیه علت چنین اوصافی را در وجود رسولش از رحمت خویش در حق وی معرفی می کند.

صفاتى مانند « لنت » که به معنای مهربانی و خوش خویی ، نرم خویی ، گذشت و مدارا است را به پیامبر نسبت می دهد. و صفاتی مانند « فظاظت » و « غلیظ القلبی » را از وی می زداید. و این هارا رحمت خودش ویژه ی رسولش می داند. و او را که بهترین و برگزیده ترین فرد بشر است ، متعلق به چنین اخلاقی می کند که تاثیرش نه فقط بر جامعه عرب آن زمان ، بلکه بر سایر جوامع انسانی عالم گیر جهانی شده است.

در حقیقت محمد ( ص ) فقط رسول مسلمانان نیست بلکه یک فرستاده ی بین المللی و « International » است که با خصوصیات اخلاقی منحصر به فردش می تواند به صورت حاضر یا غایب جهان را هدایت و رهبری کند!

آیا شخصی که در مقام رهبری قرار می گیرد می تواند خشن ، تند خو ، غیر قابل انعطاف و فاقد روح گذشت و فداکاری باشد؟ مسلماً اگر چنین باشد به زودی در برنامه خود باشکست مواجه خواهد شد و مردم از دور او پراکنده می شوند و ایشان از وظیفه رهبری باز می ماند چراکه در این زمینه مولی علی ( ع ) فرموده : « آله الرئاسة سعة الصدر » ابزار رهبری گشادگی سینه است.

#### اذن :

« اذن » در اصل به معنای گوش است. و به کسی گفته می شود که به هر سخنی گوش فرا می دهد و زود باور می کند و به اصطلاح « گوشی » باشد.

در آیه ۶۱ سوره توبه آمده است : « و منهم الذین یؤذون النبی و یقولون هو اذن خیر لکم یؤمن بالله ویؤمن للمومنین ورحمة للذین امنوا منکم والذین یؤذون رسول الله لهم عذاب الیم

» از آنها کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند او آدم خوش باوری است. بگو خوش باور بودن او به نفع شماست. ولی بدانند او به خدا ایمان دارد و مومنان را تصدیق می کند و برای کسانی از شما که ایمان آورده اند رحمت است و برای آنهایی که رسول خدا را آزار می دهند عذاب دردناکی در انتظارشان است.

با بررسی شأن نزول آیه ، داستان گروهی از منافقان را که دور هم نشسته و در باره پیامبر سخنان ناهنجار می گفتند ، نمایان می شود. با ابراز ترس یکی از آنها که شاید بدگویی هایشان به گوش حضرت رسول برسد و حضرت مردم را علیه آنها تحریک کند، جلسه بهم خورد. در این هنگام یکی از حاضران به نام « جلاس » گفت: مهم نیست هر چه می خواهید در باره ی « محمد » بگویید ، اگر به گوش او رسید نزد او می رویم و انکار میکنیم او ، از ما مکی پذیرد زیرا محمد آدم خوش باور و دهن بینی است و هرکس هرچه بگوید قبول می کند ، که آیه فوق نازل شد.

آیا واقعاً رسول (ص) ساده لوح و زود باور و به اصطلاح گوش‌ی است ؟

اگر واقعاً حضرت رسول متصف به صفت «اذن» باشد، آیا به تمام سخنان گفته شده گوش می دهد، باور می کند و ترتیب عمل می دهد؟

آیا گوینده ی سخن برای رسول مهم نیست، و هر سخنی از هر کسی را می پذیرد؟

آیا گوش‌ی بودن حضرت رسول (ص) به نفع مسلمین است یا به ضرر آنها؟

آیا گوش‌ی بودن حضرت رسول (ص) صفتی مثبت یا منفی برای او محسوب می شود؟

آیا باز خورد عکس العمل مردم در قبال چنین رفتاری از رسول (ص) مثبت یا منی است؟

وسوال آخر اینکه ؛ آیا این رفتار مردم معیار است؟ آیا صفت اذن باعث کمال اخلاقی می شود یا تزلزل روحی؟

خداوند چنین پاسخ می دهد که اذن بودن رسول برای شما بهتر است چراکه او به سخنان شما گوش فرا می دهد و در ظاهر آنها را باور می کند اما در موقع عمل به آنها جامه ی عمل نمی پوشاند یعنی در واگذاری مسئولیت ها و امور مهم جامعه از چنین افرادی استفاده نمی کند و عملاً آنها را در حاشیه جامعه بایگانی می کند. از طرفی با باورکردن صحبت های آنها آبروی چنین افرادی در جامعه حفظ می شود و این به نفع همان افرادی است که پیامبر را گوش‌ی و زود باور می خواندند.

### خفض جناح :

« خفض جناح » کنایه از تواضع و نوم خوایی است. یعنی مرغ وقتی می خواهد جوجه هایش را در آغوش بگیرد پر و بال خود را باز می کند و بر سر جوجه هایش می گستراند و خود را تسلیم آنها می کند دیگر پرواز را تعطیل و از جوجه هایش جدا نمی شود و تمام وقت خود را صرف آموزش جوجه هایش می کند.

خفض جناح در وصف رسول خدا عبارت است از صبر و خویشتن داری و سازگاری رسول با مومنین و این صبر با این معنا مناسبت دارد که کنیه ای است از زیر بال گرفتن مومنین ! همه ی هم و غم خود را مصروف و منحصر به معاشرت ، تربیت و تأدیب ایشان به آداب الهی. شاید هم کنایه ای است از ملازمت با آنان و تنها نگذاشتن و جدا نشدن از مومنان در تمام امور زندگی.



خداوند تعالی در این باره در آیه ۲۸ سوره کهف ، چهار دستور را توصیه می کند : یکی رغبت نکردن به متاع دنیوی ، دومی طرد کفار ، سوم غصه نخوردن از کفر و استهزاء ایشان ، و مورد آخر خفض جناح برای مومنین و روشن ساختن مأموریت خود که همان صفح جمیل است.

در آیه ۸۸ سوره حجر چنین آمده است ؛ لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجاً منهم ولا تحزن علیهم و اخفض جناحک للمؤمنین.

## خلق عظیم :

ترکیب خلق باعظیم یعنی عجین باشخصیت و سرشت آن حضرت ، امریست دائمی و پایدار نه موقتی و گذرا. و تنها خصوصیتی است که در باره ی رسول ( ص ) توصیف شده و در باره ی سایر انبیا نبوده ! یعنی مخصوص و ویژه ی رسول خاتم ( ص ) است.

« خلق عظیم » در جواب آیه دوم سوره قلم که نسبت افترا و تهمت جنون به حضرت رسول زده شد ، آمده است. این آیه عبارت است از : « ما انت بنعمة ربک بمجنون » که در این آیه پیامبر را به جنون متهم کردند. انک لعلی خلق عظیم.

خلق عظیم مصادیقی چون : عفو ، حسن خلق ، سعه صدر و سخاوت رادر بر می می گیرد که تاکید بر مصادیق دارد نه انحصار. یعنی خلق عظیم ، لفظی اطلاق است یعنی بر تمام اخلاقیات رسول ( ص ) در تمام عرصه ها گسترده گی دارد نه فقط بر تحمل تهمت ها !

در حقیقت در بر گیرنده ی تمامی رفتار های مثبت حضرت رسول ( ص ) است . همانگونه که اشاره شد خلق عظیم تفسیر آیه دوم سوره قلم است. اما تأویل آن فقط در قبال صبر در برابر تهمت ها نیست در واقع تأویل آن در بر گیرنده کلیه نکات اخلاقی مثبت پیامبر ( ص ) است. که باعث محبوبیت بی شایه ی حضرت در تمام دوران شده است. لذا برترین راز محبوبیت رسول خاتم را همین خلق عظیم وی دانسته اند.

طبق عقیده نظریه پردازان یادگیری اجتماعی ، شخصیت امری اکتسابی است و تحت تأثیر تجربه های محیطی قرار دارد. ولی بالین حال ، آنها معتقدند پدیده هایی مانند تفکر و مشاهده دیگران که کمتر قابل مشاهده هستند نقش مهمی در رشد شخصیت ایفا می کنند.

مشاهده دیگران همان دیدن و مشاهده افعال دیگران و سپس ارزشیابی و تفسیر آن رفتار است. در این گونه مشاهدات ، پیامد های اعمال دیگران و تناسب آن رفتار با شخصیت خود فرد است. ( مثلا تقلید

کودکان ذکور از بزرگسالان مرد و کودکان اناث از بزرگسالان زن) ( روان شناسی عمومی- از نظریه تا کاربرد- هافمن و ورنوی. ج ۲ ص ۱۳۳).

اما آیا چنین تصویری در باره ی حضرت رسول ( ص ) نیز صادق است؟

آیا حضرت ( ص ) فقط براساس مشاهدات رفتار مردم عربستان آن زمان ( اکثراً رفتار های خشونت آمیز و به دور از منطق انسانی جاهلیت ) می توانست به مرتبه ی خلق عظیم دست یابد؟

شاید چنین ادعایی در باره لغمان حکیم صدق کند که سعدی علیه الرحمه در این باره چنین گفته: « لغمان را گفتند ادب از که آموختی ؟ گفت : از بی ادبان. هر چه از ایشان در نظرم ناپسند آمد از آن حذر کردم.» اما این سیستم رفتاری ( مشاهده ارزشیابی ، و تفسیر ) ، لغمان حکیم را به مرتبه خلق عظیم نرساند. ولغمان حکیم با تمام حکمتش نتوانست ادعای رسول خاتم ( ص ) را در باب اکمال مکارم اخلاق بکند. چراکه محمد ( ص ) فرمود : « انی بعثت لاتم مکارم الخلاق » یعنی من مبعوث شده ام تا اخلاق را به کمال برسانم.

شخصیت رسول خاتم ( ص ) خداوند حکیم چنین سه رشته که در قرآن مبینش از آن به خلق عظیم یعنی عاملی که باعث نفوذ در عمق دلها شد از آن یاد می کند.

بر اساس تعریف اخلاق که تبلوری از نگاه دیگران است و هرکس به طور ساده بر اساس نظر و علاقه خود در این زمینه استدلالی می کند ، اصول و قواعد همگانی خاصی برای اخلاق یا رفتار وجود دارد. ( روانشناسی عمومی- هافمن و ورنوی. ج ۱ . ص ۴۰۷ )

از مصادیق بارز خلق عظیم ، رفتار مردمی یا همان رفتار مردم معیار است. که خوش رویی ها، ملایمت با همنشینان ، فقدان تام خشونت ، سنگدلی و قساوت ، پرخاشگری و بد زبانی ، عیب جویی و تملق در وجود پاک و شخصیت والای حضرت محمد ( ص ) موج می زند.

امیر المومنین علی ( ع ) می فرماید حضرت رسول ( ص ) نفس خویش را از سه چیز رها نیده بود مرء یعنی بگو مگو های بی ثمر ، پرگویی و دخالت در کار هایی که به او مربوط نبود. همچنین سه چیز را در مورد مردم از خود دور کرده بود: بدگویی از کسی ، سرزنش کسی ، جستجوی عیوب و لغزش دیگران.

حضرت رسول ( ص ) هرگز سخن نمی گفت مگر در مورد مواردی که ثواب الهی را امید داشت. در موقع سخن گفتن به قدری نافذ ال کلام بود که همه سکوت اختیار می کردند. کسی در حضورش

مجادله و نزاع نمی کرد. قرآن شمه ای از اخلاقش را که باعث خلق عظیم در وجود مبارکش شده بود سوز و عشق به مردم ، دلسوز از صمیم جان بر مردم . تمام آرزوی رسول هدایت مردم بود .

## فصل دوم : جمع بندی

### جمع بندی و نتیجه گیری

از «چه گفته شد چنین نتیجه ای بر می آید که اخلاق رسول فقط فردی نیست و تاثیرش فقط بر افراد خاص و یا مخاطبینش نیست . شاهد این ادعا مشورت و نظر خواهی رسول با مسلمانان است که علیرغم شعار های فراوانی که در عرصه ی جهاد می دادند ، از صحنه جنگ گریختند و عامل شکست مسلمانان در جنگ شدند . آتش افسوس و ندامت روحشان را سوزاند با این شکست احساس گناه و شکست شخصیت شدید کرده بودند . بالطبع از اطراف رسول کناره گیری و توانایی رویارویی با او را نداشتند.

مشورت اعتباری به شخصیت آنان و مرهمی بر دل شکسته شان بود. باعث زنده کردن شخصیت اجتماعی این گروه از مسلمانان خاطی شد. خداوند به واسطه این آیه شریفه مشورت ، پیامبر را مأمور به گذشت از آنها و احترام به شخصیت آنها به وسیله مشورت و نظر خواهی می کند. ناگفته پیداست که بامشورت ، شخصیت مجروح چنین افرادی احیا می شود و وجهه اجتماعی خویش را باز پس می گیرند و به محبوبیت خود نزد رسول امیدوار می شوند .

محمد مانند طبیبی که به سراغ بیمار می شتابد درد را تشخیص داده و آن را با بهترین روش درمان می کند. وجود چنین طبیبی باعث آرامش خاطر می شود. راستی با وجود چنین طبیبی چه نگرانی از بیماری !

بی شک مطالعه چنین رویدادی و موارد مذکور قبلی می تواند آتش عشق و علاقه را به رسول خاتم شعله ور تر کند و پیام اخلاقی ماندگاری را برای جوامع انسانی به ارث بگذارد .

**مهربانی حتی با وجود اهمال و لغزش**

## فهرست منابع :

- (۱)- مجمع البحرين . ج ۶ ، ص ۳۴۵
- (۲)- روح المعانی . ج ۱۴ ، ص ۸۰
- (۳)- روان شناسی عمومی – از نظریه تا کاربرد کارل هافمن ، مارک ورنوی و وجودیت ورنوی- مترجمین هادی بحیرایی و مهرداد پژوهان . انتشارات آراسباران (۱۳۸۶) ج ۱ و ۲
- (۴)- روان شناسی یادگیری دکتر محمد پارسا – انتشارات پیام نور – (۱۳۸۰) ص ۵ و ۶ .
- (۵)- تفسیر المیزان – علامه طباطبایی تفسیر سوره حجرات و آل عمران. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه مدرسین قم (۱۳۸۷) ج ۳ و ۱۸ .
- (۶)- مقاله تحقیقی سیری در سیره نبوی – سید احمد خاتمی.